



به نام خدا

قصه هایی برای از بین بردن غصه ها

نویسنده: مسعود لعلی

تعداد صفحات: ۹۳

موضوع اصلی کتاب شاد زیستن است و نویسنده در قالب داستان ها و تمثیل ها و با تلفیق حقیقت و قصه (قصه درمانی) سعی کرده است انگاره ها و الگوهای فکری غلط و گاه مخرب را به چالش بکشد و افق های ذهنی که آرامش و امنیت و رضایت خاطر را می آفریند، پیش روی خواننده باز کند.

در بخشی از این کتاب آمده است: عقاب وقتی می خواهد به ارتفاع بالاتری صعود کند، در لبه یک صخره به انتظار یک اتفاق می نشیند. می دانید این اتفاق چیست؟ گردبادی که از روبرو بیاید! عقاب به محض اینکه آمدن گردباد را حس کرد، بال های خود را می گشاید و اجازه می دهد باد او را با خود بلند کند.

به محض اینکه طوفان قصد سرنگونی عقاب را کرد، این پرنده بلند پرواز، سر خود را به سوی

آسمان بلند می کند و عمود بر طوفان می ایستد و مانند گلوله توپی به سمت بالا پرتاب می شود.

آنقدر با کمک باد مخالف اوج می گیرد تا به ارتفاع مورد نظر برسد و آنگاه با چرخش خود به سوی

قله مورد نظر در بالاترین نقطه کوهستان ماوا می گزیند.

خوب به شیوه عقاب برای بالا رفتن دقت کنید. او منتظر حادثه میماند. حادثه ای که برای مرغ

های زمینی یک مصیبت و بلاست. او منتظر طوفان می نشیند تا از انرژی پنهان در گردباد به نفع

خود استفاده کند.

وقتی طوفان از راه می رسد، عقاب به جای زانوی غم بغل گرفتن و در کنج سنگ ها پناه گرفتن جشن می گیرد و خود را به بالاترین

نقطه وزش باد می رساند و از آنجا سنگین ترین ضربه های گردباد را به نفع خود به کار می گیرد. عقاب از نیروی مهاجم به نفع

خویش استفاده می کند.

او نه تنها از نیروی مخالف نمی هراسد بلکه منتظر آن نیز می نشیند چرا که می داند این انرژی پنهان در نیروی مخالف است که می

تواند او را به فضای بالا پرتاب کند.

من خواندن این کتاب جذاب را به همه دوستان عزیز و فرهیخته ام پیشنهاد میکنم.